

آمیولانس

سنت عجیب سلول درمانی



✈ **پوریا عالمی**

● اعصاب نمی‌گذارند برای آدم. پژوهشکده رویان اعلام کرده اولین کارخانه سلول‌درمانی خاورمیانه را در تهران راه انداخته. ولی این بی‌انصافی است. سلول‌درمانی یکی از رفتار و آداب سنتی ایرانیان و حتی یکی از قدیمی‌ترین صنایع دستی ایران است. بعد پژوهشکده رویان یک‌طوری گفته اولین کارخانه سلول‌درمانی را راه انداخته انگار ادیسون برق را اختراع کرده باشد.

سلول درمانی

دانشمندان معتقدند نخستین سلول‌درمانی در گذشته تاریخ انجام شده است که متأسفانه آن آزمایش با شکست روبه‌رو شد و فرد مورد آزمایش پیش از بد نتیجه‌رسیدن آزمایش‌ها، درگذشت.

تک‌سلول‌درمانی

همچنین تحقیقات نشان می‌دهد راحت‌ترین نوع زندگی را تک‌سلولی‌ها دارند. برای همین دیده شده شرایط زندگی ما چندسلولی‌ها را اینقدر سخت می‌کنند که به زندگی تک‌سلولی‌ها رضایت بدهیم. به این شیوه تک‌سلول‌درمانی می‌گویند.

سلول‌درمانی گروهی

ممکن است ما در کارگروهی – مثل ورزش‌های تیمی و گروهی– موفق نباشیم، اما خوشبختانه در سلول‌درمانی گروهی موفق عمل کرده‌ایم.

سلول‌درمانی بنیادی

همچنین سلول‌درمانی یک حالت موضعی دارد، یک حالت بنیادی هم دارد. درمان موضعی با سلول چندروز بیشتر طول نمی‌کشد. اما درمان بنیادی با سلول زمان زیادی می‌برد.

آمیوسلول‌درمانی

آمیوسلول‌درمانی به وضعیتی گفته می‌شود که در آمیولانس را روی آمیولانس‌چی می‌بندند تا آمیولانس تبدیل به آمیوسلول شود. الان هم تا در بسته نشده، آمیولانس‌چی گازش را بگیرد و برود به سمت افق خودش را گم‌و‌گور کند.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۷ تیر ۱۳۹۳ = ۱۰رمضان ۱۴۳۵ = ۸جولای ۲۰۱۴ = سال یازدهم = شماره ۲۰۵۹ = ۱۶صفحه
اذان ظهرتهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۴۴ • اذان صبح‌فردا ۴:۱۱ • طلوع آفتاب ۵:۵۶

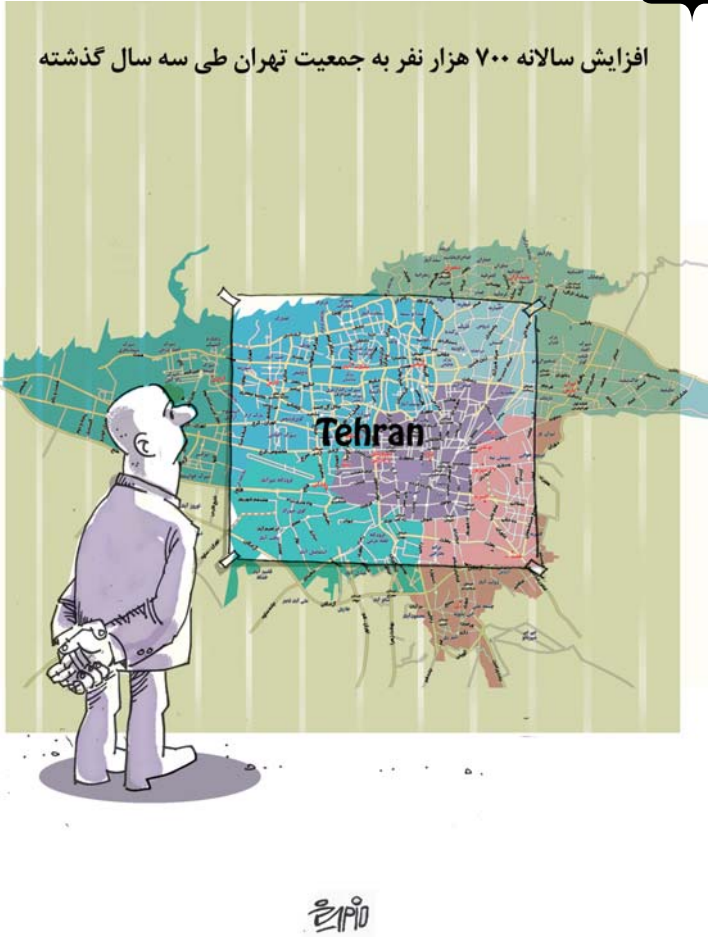
روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

✈ **فیروزه مظفری**

firoozeh.mozaffari@gmail.com



«ماه ضیافت خدا» تمثیلی است که برای رمضان به کار می‌پریم و برای باشکوه برگزارشدن آن از نظر بصری، طبق قراردادی ناوشسته صداسیما مسوول شناخته شده‌است. از حدود ۱۵۰۱۰ سال قبل ساخت سریال‌ها و برنامه‌های خاص رمضان در صداسیما آغاز شد. در این بین چند نام‌مذگار شدند مانند رضا عطاران، سعید آقاخانی، محمدرضا لطیفی و در کنار آن مجریانی همچون کاظم احمدزاده، محمود شهریار، شهیدی و احسان علیخانی. اگر رضا عطاران با شناسایی استعداد و معرفی دوباره بازیگران قدیمی به یاد مانده است، برخی مجریان سعی کرده‌اند با کارهای متفاوت برای خود طرفدارانی به دست آورند. به نظر می‌رسد چندان هم پرایشان مهم نیست که با چه شیوه‌ای این اتفاق می‌افتد و گاه بحث‌های اخلاقی مطرح می‌شود.

هستند افرادی که هنوز ارتباط خود را با تلویزیون حفظ کرده‌اند یا به خاطر جام‌چهلی حضورش را سر سفره‌های افطار پذیرفته‌اند. در شب‌هایی که مسابقه برگزار نمی‌شود، «ماه عسل» با اجرای «احسان علیخانی» بخش می‌شود. تقریباً یک ماه قبل از آغاز برنامه مجری آن،این مشخصات را برایش برشمرده است: «موضوعات اجتماعی» و «آنچه در سال‌های قبل فرصت پرداختن به آن پیدا نشده است». این برنامه طی چند سال گذشته در شبکه سوم اجرا شد و هرچند وقت یکبار نیز سعی کرده با عوض کردن مجری به انتقادات و مسایل پیش آمده پاسخ دهد اما به نظر می‌رسد استقبال از این برنامه با مجری‌گری «علیخانی» بیشتر بوده و به نوعی به‌عنوان یکی از سرمایه‌های این شبکه شناخته شده است. از سوسی رولپط عمومی اعلام می‌شود برنامه بی‌رقیبی است یا اینکه ادعا می‌شود برای نقد و بررسی برنامه سال قبل آن بیش از سه‌هزار نفر جمع شده‌اند. حتی اگر همه این مسایل

پاسخ به فراخوان

پول سفره مجلل افطار؛ وام اشتغال

و مختصر ببیندازیم و همان هزینه‌ای که قرار است صرف سفره‌های گسترده شود را، با وام قرض‌الحسنه در اختیار جوان‌های جویای کار قراردهیم. این اقدام می‌تواند به جوانان این امکان را بدهد تا آنها با این مبالغ، اسباب اشتغالی‌ای خود و جمعی دیگر از جوانان را فراهم کنند.

هم‌نوعان و علی‌الخصوص نیازمندان. می‌توان به‌جای پهن کردن سفره‌های گسترده افطار در رستوران‌ها و سالن‌های مجلل، سفره‌هایی ساده و باصفا پهن کنیم و درعرض سبب خیر باشیم تا جوان‌هایی که نیازمند کار هستند، بتوانند مشغول به کار شوند. به این صورت که، سفره‌هایی کوچک

ماه مبارک رمضان فرصتی است برای کمک به



✈ **سیدحسین مرعشی**

گزارش فردا

«ماه عسل» تلخ سیما

هلیا آبادی

داشتن این افراد سوق دهد؛ حتی که بی‌واسطه پیش آمده بود. در این میان؛ دختران یکی از پدران سعی می‌کردند بیشتر و بیشتر در پوشش‌های خود قایم شوند.

این روند در برنامه دیگری هم ادامه دارد؛ همان برنامه‌ای که می‌تواند نقطه اوج دیگری را رقم بزند حضور کلیتانی که توسط دزدان دریایی سوامالی دزدیده شده بود. او به همراه یک همکار دیگرس آمده بود. بحث صداقت وقتی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد که در کلوب منسوب به طرفداران این مجری منتشر می‌شود؛ «شهریار بعد از چهار سال، ۲۰روز پیش از زندان دزدان دریایی سوامالی فرار کرد. روزهای وحشتناکی را گذرونده اما در برنامه خیلی نگفت چون نگران حال مادرش بود.»

یسا اینکه بعد از حضور بلای مدرسه‌ای که برنده ۲۴۰میلیون تومان شده است، برنامه با تذکر درباره شوخی مطرح‌شده در برنامه پیرامون زن عمو آغاز می‌شود و اینکه حرف یکی از حاضران مشکل ساز شده است و تذکر می‌دهد «لطفاً اطرافیان از پس شوخی یک ماجرا ن سازند» یا برنامه‌ای که با حضور کودکان کار برگزار شد با این جمله کلیشه‌ای همراه بود: «ما اینها را دیدهایم ولی از کنارشان گذشتیم مثل نمایندگانی که برای اخذ رأی کنار این بچه‌ها عکس می‌گیرند.» این روند تاکنون ادامه داشته است. این برنامه با تکیه بر موضوعات اجتماعی پیش می‌رود که قطعا می‌تواند بیشتر از هر رسانه دیگری تأثیرگذار باشد؛ البته اگر مجری برنامه این قدر مغرورانه سخن نمی‌گفت و با اصول اولیه تواضع آشنا بود. نمی‌توان به تغییر مجری یا روند برنامه امید داشت اما می‌توان انتظار داشت اگر تلویزیون برای هر تأثیرش ۱۶میلیون تومان از محل آگهی برنامه‌های جام‌چهلی درآمد دارد، حداقل به مخاطبان خود احترام بگذارد.

در همین حوالی

چشم انتظار اخبار خوش مذاکرات

چه خبر؟ و معمولاً سر خط خبرها را برایم می‌گویند. مدت‌هاست منتظم تا از زبان آنها بشنوم که مذاکرات بین ایران و ۵+۱ به‌خوبی پیش رفته و توافق صورت گرفته و تحریم‌ها لغو شده است. این خبر، می‌تواند مرا خوشحال کند چون مسایل داخلی هم با چنین رویدادی به مرور حل خواهندشد و بار گرانی‌ها و مشکلات مربوط به تحریم‌ها از روی دوش مردم برداشته خواهد شد.



✈ **همایون ارشادی**

این‌روزها بسیار مشغول کارهایم و مسایل مربوط به خانه سینما بودم و کمتر اخبار غیر صنفی را پیگیری

معادله چندمجهولی

خنیاگران غمگین

همه‌اش التماس می‌کنند او در آمدش خیلی بیش از من و امثال من است که درس‌خوانده موسیقی هستیم. من برای موسیقی چندفیلم هم نوازندگی کرده‌ام ولی مردم ما هم به چشم گدا نگاه می‌کنند» این جوان به آینده هنری خود امید چندانی ندارد و افسوس می‌خورد چرا چهارسال از بهترین سال‌های عمرش را صرف هنری کرده که هنوز تکلیفش در عرصه فرهنگ‌و هنر روشن نیست. تلویزیون، هنوز هم از نمایش ساز پرهیز می‌کند، کلاس‌های آموزش موسیقی در برخی مراکز فرهنگی تعطیل شده‌اند و این در حالی است که سیل مشتاقان موسیقی، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. هرسال از مراکز آکادمیک و آزاد موسیقی، عده زیادی فارغ‌التحصیل می‌شوند و چون بازار مناسبی برای کار ندارند یا مایوس می‌شوند و به حرفه دیگری روی می‌آورند یا اگر وسع‌شان برسد، ترک طپ می‌کنند و به امید ادامه آموزش یا پیدا کردن کار از ایران خارج می‌شوند. جوان مردانشاره می‌گوید که چندتابی از دوستانش، به ترکیه رفته‌اند و آنجا مشغول گرند چون در آن کشور صدها ارکستر فعال، شب‌روز در کار تولید موسیقی برای رادیو و تلویزیونند. به‌رحال روندی که آغاز شده، قطعا در درازمدت باعث تحولی در سلیقه مردم، به ویژه رهگذرانی که هزاران بار «سلطان‌امده آموزش یا پیدا کردن و صدای گوش‌خراش برخی از این خوانندگان دوره‌گرد شنیده‌اند، ایجاد خواهد کرد. بد نیست؛ گاهی برای تشویق هم که شده، لحظاتی در کنار این هنرمندان کم‌توقع بایستیم و به سازشان گوش دهیم و اگر دلمان خواست، سکاهی یا اسکناسی هم اهدای‌شان کنیم؛ جای دوری نمی‌رود.



✈ **احمد طالبی‌نژاد**

سنتور، تنبور و... هستند و هنگام غروب، گوش رهگذران را به نواهایی که از سازهای‌شان مترنم می‌شود، جلب می‌کنند. در برخورد گاهی با این هنرمندان، متوجه نکات جالبی شده‌ام. اخیراً با یکی از نوازندگان گیتار کلاسیک که هنگام غروب در محل ما، حضور می‌یابد و بساط می‌گستراند، گپ‌وگفتی داشتیم. او که فارغ‌التحصیل رشته نوازندگی سازهای غربی از یکی از دانشگاه‌های غیرانتفاعی است، علاوه بر نوازندگی گه‌گاهی در ارکسترهای زیرزمینی، برای کسب درآمد و گذران زندگی، ناچار به نوازندگی در خیابان نیز شده است. او این کار را ن‌تنها عیب نمی‌داند بلکه کارش را دوست دارد و از اینکه با مردمان عادی سروکار دارد که به قول خودش «نیز هست و اشاره می‌کند که در کشورهای خارجی، اغلب درس‌خوانده‌های موسیقی، در خیابان و اهره‌های مترو بساط می‌کنند و حرفه‌شان به رسمیت هم شناخته می‌شود. اما در ایران، هنوز باید هنگام نوازندگی، یک نگاه‌شان هم به اطراف باشند تا نکند مأموران سد معبر بریزند. سرشان و آلات و ابزارشان را ببرند. این جوان، به قول خودش در تارک انتشار البوم نیز هست و اقدامات اولیه را نیز انجام داده است. او که از نوازندگان متکدی به شدت دلقور است، می‌گوید: «آنها آبروی موسیقی را برده‌اند. مثلاً این یکی را ببین (اشاره می‌کند به مردی سسی‌هفت، هشت‌ساله که به شکل بد و ناشایانی آکار دنون می‌نوازد و زبانش دایم در حال التماس به رهگذران است) خب این بابا به‌جای اینکه برود لاقال نواختن را خوب یاد بگیرد، صدای ناهنجاری از سازش درمی‌آورد و

فرداگذرانی



محتویات این شماره ماهنامه «میکا» هستند. بخش چهره‌های شماره دوم هم طلی گفت‌وگوهایی با محمدرضا غفاری، مرتضی پاشایی، عباس پژمان و آرام جعفری به مرور خاطرات این افراد از جزیره کیش می‌بردازد.

کشتار- مدیرمسئول و سردبیر مجله- سرمقاله‌ای درباره جزیره کیش نوشته است. مطالبی دیگر هم با محوریت «بررسی اکوسیستم کیش به مثابه بسترى برای معماری پایدار» یا «همه آنچه باید درباره مناطق آزاد بدانیم» یا «ثروتمندترین جزایر آسیایی» از دیگر

● دومین شماره ماهنامه «میکا» منتشر شد. این ماهنامه که با محوریت جزیره کیش منتشر می‌شود، در دومین شماره خود با طرح جلدی از رییس‌جمهور گزارشی از سفر دکتر روحانی به هندواری، را ارائه می‌کند. همچنین در نخستین صفحه‌این نشریه، امید

و آثار متعدد در زمینه تاریخی، سیاسی، ادبیات مشروطه و داستان

حساب جاری: ۰۲۰۹۴۳۳۶۸۴۰۰۰ - شماره کارت: ۵۴۳۲-۳۷۴۹-۶۹۱۷-۶۰۳۷ بانک صادرات - امیدعلی بابایی

حساب جاری: ۰۱/۱۱۴۲۲۹۱/۲۹۸/۱۰۰ - شماره کارت: ۳۷۸-۲۶۴۳۸۰۳۰۲۲۲۹۱۰۵ بانک پاسارگاد - امید علی بابایی

تلفکس: ۶۶۹۱۷۴۴۹ - ۶۶۹۱۳۵۶۸ - ۰۲۱. خارج از وقت اداری: ۶۶۹۰۶۷۵۶ - ۰۲۱.